



رفتار با کودکان

فرزاد ادیبی

کارشناس تعلیم و تربیت

toloos@hotmail.com

قربانی آتش سوزی یا قربانی نبود امکانات ایمنی! ده کودک در یک آتش سوزی در پاریس سوختند!



امیر توکلی: در مورد چگونگی تربیت جنسی کودک از ما سوال شده است. والدینی سوال کرده اند که: دلیل ور رفتن بعضی از کودکان، با خودشان (آلت جنسیشان) چیست؟ این خطری برای آنها ندارد؟ کودکان در چه سنی به جنسیت خود، پی می برند؟ در رابطه با جنسیت کودکان، سکس و آمیزش، چه اطلاعاتی و چه موقعی مناسب است؟ برای پاسخگویی به این سوال من به کتابی با عنوان «تربیت کودک» اثر مارکارنکو مراجعه کردم، اما متأسفانه پاسخی امروزی و قانع کننده در این کتاب نیافتم، مارکارنکو مینویسد که در مقابل سوال کودکان در مورد مسائل جنسی بگوید: «تو هنوز خیلی کوچک هستی، وقتی بزرگ شوی خواهی فهمیدی.» «و یا «با شوخی و لبخندی سوال کودک را بی جواب بگذارید و طوری رفتار کنید که کودک سوال خود را از یاد ببرد.» «و در جایی مینویسد: «میتوان با توجه به سن کودک درباره مسائل جنسی با او گفتگو کرد در صورت لزوم این گفتگوها باید در نهایت اختفا بین پدر و پسر و یا مادر با دختر صورت گیرد.» «خواستم نظر شما را بدانم. آیا با مارکارنکو موافق هستید؟ البته مارکارنکو نویسنده ای با افکار اسلامی نیست اما ظاهراً در برخورد به تربیت جنسی کودکان تفاوتی بین نظرانشان نیست. متد برخورد در کشورهای بی که به این مساله علمی و انسانی میپردازند، چگونه است. مثلاً در کشورهای اسکانندیناوی؟ خود شما چگونه به این سوال کودکانتان جواب میدهید؟

خبرگزاری بی بی سی گزارش می دهد که در یک آتش سوزی در یک هتل در پاریس، مرکز فرانسه، 20 انسان بیگناه، جان خود را از دست دادند. در میان کشته شده گان، 10 کودک به چشم می خورد. این واقعه وحشتناک در بامداد روز جمعه 15 آپریل، اتفاق افتاد.

بی بی سی می افزاید که بسیاری از مهمانان هتل اپرا پاریس، از خانواده های کم درآمد و فاقد مسکن بوده اند. ادامه در صفحه 5

آخرین قسمت:

آوارگی و بی خانمانی هر چه بیشتر کودکان خیابانی در سال جدید!

جوابهای ماکارنکو به این سوال جوابی از سر بی جوابی است. در باره جنسیت ادامه در صفحه 2

صفحه 3

در صفحات دیگر نشریه میخوانید: نگاهی به ادبیات کودک در ایران- کودکان ناتوان، کودکان توانا- کودکان سرراهی، کودکان بی پناه- آوارگی و بی خانمانی کودکان خیابانی

پرسش و پاسخ در باره کودکان

Apati در سوئد:

چاره کار کدام است؟ صفحه 6

زندگی شاد، امن و خلاق حق مسلم کودکان است

ادامه رفتار با کودکان

با شوخی و خنده نمی توان جواب سؤالیهای کودکی را که کنجکاوی برای کسب آگاهی از کارکرد یک قسمت طبیعی از بدنش، او را مثل خوره می خورد، داد. این کودک بالاخره و تحت هر شرایطی سعی می کند که جواب سؤالیها و کنجکاویهای خود را

بباید. خطری که این نوع کودکان را تهدید می کند به مراتب بیشتر از هر نوع خطری است که در جامعه در کمین کودکان ما نشسته است. پاسخ اینترنت و ماهواره، بدرد هیچ پدر و مادری نمی خورد. کودک ما وقتی از طریق مدرسه و یا از سوی ما، پاسخی به سؤالیهایش نگیرد، در نزد دوستانش، اینترنت و



امکانات پیرامونیش، به دنبال پاسخ می گردد. و این روش نه تنها روشن و مطمئن نیست بلکه بسیار احتمال دارد که کودک ما، اطلاعات غلط و نادرست را از این طریق تحویل بگیرد و بر اساس این اطلاعات، دست به عملی بزند که سلامت روحی، روانی و جسمیش لطمه بخورد. سس در سنهاى پایین، عدم شناخت از مریضهای مسری، عدم شناخت از انواع راه حلهای جوگیری از مبتلا شدن به این امراض، کودک ما را در معرض

خطرهای جدی قرار می مطرح می شود. درس



دهد. در جوامعی مانند ایران که آموزش و پرورش این امر خطیر را بعهده نگرفته است و صحبت از اطلاعات درباره سس و جنسیت، ممنوع است، وظایف پدران و مادران بسیار مهمتر است. ما برای اینکه بتوانیم، آینده ای مطمئن و با خطرات کمتر براین فرزندانمان فراهم کنیم، باید هر چه روشنتر، صریحتر و دقیقتر در جزء جزء فاکتها و اطلاعات با کودکان صحبت کنیم. بسته به سن کودک و وی سؤال وی باید به وی پاسخ درست داد. همانطور که در قسمت اول گفتیم، کودک در سنین مختلف، سؤالیهای گوناگونی درباره جنسیتش، سس، عشق، بچه دار شدن و روابط بین زن و مرد، خواهد داشت. در دو سه سالگی، سؤال کودکان عمدتاً درباره شکل ظاهری آلت جنسیشان است. فرق آلت جنسی میان دختران و پسران، سؤالی که مدام

نمی دهند، باید بدانند که این آگاهی مانند هر دانش و آگاهی دیگر علمی به کودک کمک می کند تا زندگی انسانی و سالمی را در آینده پی ریزی کند. این وظیفه مهمی است که ما پدران و مادران نباید فراموش بکنیم و سهل انگارانه از کنار آن بگذریم. کودکانی که در کشورهای اسلامی زندگی می کنند، همان نیاز را به این آگاهی ها و دانش علمی دارند که کودکان غرب، دارند. اما متأسفانه سنتها و عقب افتاده گی های جامعه از یکطرف و از طرف دیگر قدرت های اسلامی راه دست یابی کودکان و نوجوانان را به این آگاهی و دانش ها را بسته است. مدراس پایگاه انتشارخرافات و نظرات عقب افتاده است. در این چنین جامعه ای چه کسی جزء ما پدران و مادران می تواند پاسخگوی نیازهای کودکانمان باشد.

نشریه
کودکان
مقدمند

دوشنبه ها
منتشر
می شود

دبیر
کودکان مقدمند
هما ارجمند

homawpi@rogers.com

سر دبیر
هفته نامه
کودکان مقدمند
فرزاد ادیبی

00460704917494

Kodakan_moqadamand@hotmail.com

toles@hotmail.com

مسئولین مرکز
بخش:
شهلا خباززاده
سروش ابراهیمی

kudakanmoqadam@aol.com

shahlahabbazade@aol.com

soroshebi@yahoo.com

دست مذهب از زندگی کودکان کوتاه

آوارگی و بی خانمانی هر چه بیشتر کودکان خیابانی در سال جدید!

آرش سمایی-ایران
20/1/84

عیدی رژیم جمهوری جنایت اسلامی در آغاز سال جدید به کودکان خیابانی تحمیل آوارگی و بیخانمانی هر چه بیشتر به آنهاست. در این رابطه روزنامه ایران در تاریخ 16/1/84 با تیتر "ممانعت از بازگشت کودکان خیابانی به پایتخت" مینویسد: گفته میشود ماموران سازمان بهزیستی کشور برای ممانعت از بازگشت کودکان خیابانی به پایتخت به حالت آماده باش در آمده اند. بر اساس این تصمیم ماموران مکلفند با مشاهده کودکان خیابانی در سطح شهر آنها را جمع اوری و به محل های نگهداری کودکان خیابانی تحویل دهند. شماری از کودکان خیابانی که از شهرستانها به تهران آمده بودند، در ایام نوروز از تهران خارج شده اند و ماموران در تلاش هستند تا از بازگشت مجدد آنها به پایتخت جلوگیری کنند.

خواندن این سطور دل هر انسان و هر وجدانی را ببرد میآورد. چرا باید ما در جامعه ایران شاهد چنین پدیده ای باشیم. مگر جامعه ما برای ایجاد یک جامعه انسانی امکانات و منابع کمی دارد؟ پدیده کودکان خیابانی یک

معضل اساسی در جامعه بحران زده امروز ایران است. کودکان خیابانی چهره کریه و زشت حاکمان اسلامی با کثیفترین سیاستهای اقتصادی و اجتماعی سرمایه داری عصر حاضر را هر چه بیشتر و عریانتر به نمایش میگذارد. به همین منظور رژیم برای پوشاندن این چهره واقعی خویش، که میبرد در برابر جنبش سرنگونی طلبی مردم و کارگران و زنان و جوانان به زباله دان تاریخ سپرده شود و از صفحه روزگار حذف شود، به هر سیاستی و بدون توجه به ابعاد آن دست میزند. این سیاست به حدی کثیف است که اسمی از هیچ احدی برده نشود، چه کسی این دستور را داده و مجریان به چه نحوی باید این سیاست را به اجرا درآورند؟ معلوم نیست. در پی این سیاست چه کسی قادر خواهد بود در برابر گریه های کودکان معصوم مقاومت کند و از رفت و آمدهای بین شهری و درون شهری آنان جلوگیری نماید. چه کسی قادر است که شاهد گریه های آنان برای یافتن سر پناهی و بدنبال لقمه نانی باشد و دم فرو بندد؟ چه کسی قادر است با مشاهده این

کودکان بی سرپناه و در به در و مقاومت مأمورین در ورود آنان به پایتخت نفرت بی حد و حصر خود را از این شرایط سیاه پنهان نماید؟ در صورت جمع آوری این کودکان معلوم است که در کجا نگهداری میشوند؟ وضعیت زیستشان چگونه است؟ آیا آموزشی در کار است یا نه؟ آیا شرایط طوری است که دیگر امیدی به ادامه زندگی باشد؟ که فرار نکنند و دو باره به گوشه و کنار خیابان پناه نبرند؟ بدست باندهای قاچاق کودکان و سو استفاده کنندگان جنسی به تباهی کشیده نشوند؟ و هزاران سوال دیگر که دل هر انسان و هر وجدانی را به درد میآورد.

رژیم نمیخواهد پایتختش شاهد چنین کودکی باشد. البته نه پایتخت، بلکه مقامات و مسئولینی که در بوجود آمدن چنین پدیده ای نقش اصلی دارند و در قبال تحمیل فقر و فلاکت به جامعه، برای خود و سرمایه داران ثروتهای افسانه ای اندوخته اند. دوست ندارند از پشت شیشه های ماشینهای مدل بالایشان همین بچه های خیابانی را ببینند که دسته گلی در دست درخواست خرید گل و دریافت پول میکنند. نمیخواهند ببینند چه بلانی سر این جامعه مملو از ثروتهای کلان زمینی و زیر زمینی آورده اند که 300000 کودک خیابانی انسان به حساب نیاید، که 3000000 کودک خیابانی شهروند این جامعه به حساب نیاید، اصلاً به کدام انسان ها ارزش قائل میشوند که به کودکان خیابانی نیز قائل شوند؟ از نظر اینان فقط مالکان و دارندگان سرمایه ارزش دارند

و بس. بقیه هم باید برای اینان کارکنند و ارزش تولید کنند. کودکان خیابانی نیز به همین ترتیب. ولی کور خوانده اند. جنبش سرنگونی طلبی با سرعت هرچه بیشتری به پیش میرود و دیر نیست که بانیان چنین وضعیتی به زباله دان تاریخ سپرده میشوند.

ادامه کودک ناتوان، کودک توانا:

کودک، به یکی از شهرستانهای جنوبی سوند رفته بودم. در یکی از برنامه هایی که این مهد کودک برای ما تدارک دیده بود، فیلمی که از یک کودک سه ساله و یک کودک یک ساله گرفته بودند، برای ما نمایش دادند. مربی بچه ها قصد دارد که بچه ها را بیرون ببرد. عده ای از بچه ها که می توانند، خودشان لباسشان را بپوشند، مشغول لباس پوشیدن هستند و مربی هم به کودکان یکساله، لباس می پوشاند، کودک یکساله ای منتظر است که نوبتش و شود مربی اش به وی کمک کند. بعد از چندی کودک یکساله از انتظار خسته می شود

و خودش کاپشنش را می آورد و سعی می کند که آنرا بپوشد، وی موفق می شود که یک آستین کاپشن را بپوشد اما هرچه سعی می کند، موفق نمی شود که آستین دیگر را بپوشد. در این حین، کودکی که کمتر از سه سال دارد و خودش آماده شده است، متوجه تلاش این کودک یکساله می شود و به کمک وی می رود و به وی کمک می کند که کاپشنش را بپوشد. مربی وارد صحنه می شود و هر دو در آغوش می گیرد و تشویقشان می کند. چهره شاد، مغرور و راضی این کودکان واقعاً دیدنی بود. با چنان غروری به سوی درب خروجی گام برداشتند که انگار، بزرگترین مشگل زندگی را حل کرده اند. تمام این قضیه به این بستگی دارد که مربی چگونه جوی را در مهد کودک ساخته و چه توقع و رابطه ای از و با کودکان دارد که آنها اینگونه برای خودکفایی خود، دست به تلاش می زنند.

ادامه دارد

برنامه تلویزیونی کودکان مقدمند
چهارشنبه ها ساعت 8 شب به وقت تهران
تکرار ساعت 12 ظهر به وقت تهران
تلویزیون کانان جدید
تل استار 12، قرکانس 12608 مگاهرتز
سیمبل ریت 19279، اف ای سی، 2/3
پلاریزیسیون افقی

نشریه

کودکان مقدمند پیام آور دنیایی انسانی برای کودکان ماست. نشریه را وسیعاً پخش کنید. برای نشریه اخبار، مقالات و پیشنهادات خود را ارسال کنید.

مسکن، تغذیه، بهداشت و رفاه برای همه کودکان

سیري در ادبیات کودک «کودک در ادبیات ایران»

میلاد پرتوی - ایران

قسمت هشتم:

ج. وزن و قافیه

کودک پیش از آنکه در موسیقی کلامی یا شعر به اوزان یا بحور شعری دست یابد، موسیقی قافیه را می‌شناسد. شعر فقط به خاطر قافیه داشتن برایش مشخص می‌شود. شعر عامیانه از اوزان ان هجایی و ترانه ای است، به ندرت به اوزان عروضی میرسد و بر پایه موسیقی قافیه استوار است. کودکان به قافیه در مقام وزن و موسیقی توجه دارند. و در بازیهای خود نیز قافیه سازی می‌کنند. در شعرهای ویژه کودکان شاعر می‌تواند وزنهایی هجایی یا ترانه ای به کار گیرد و در یک شعر وزنهایی متفاوت اما همساز بیاورد. از اوزان عروضی وزنهایی را بر گزینند که به وزنهایی هجایی و ترانه ای نزدیکتر است.

د. صنایع بدیعی

بسیاری از صنایع لفظی و معنوی بر قدرت و زیبایی شعر می‌افزاید. اگر آوردن آنها در شعر به معنی مطلوب صدمه نزند و کلام را متصنع نسازد کاربرد آنها نه تنها رواست بلکه ضرورت دارد.

در شعر کودک از صنایع لفظی و معنوی می‌توان به تناسب موضوع و بنابر نیاز موزیکی شعر استفاده کرد. مانند: صنعت تکرار که مراد تکرار یک کلمه یا یک عبارت خود این گونه موسیقی را به وجود می‌آورند.

ه. مفاهیم

شعر نباید وسیله آموزش مستقیم قرار گیرد. مفاهیم شعر باید در پرورش ذوق و عواطف کودکان مؤثر باشد. شعر نه تنها کمک می‌کند که کودک زیبایی صحنه ای را بهتر درک کند بلکه درک او نسبت به احساس یا حالتی عمیق تر می‌شود. هر شعر باید مقدمه ای در مشتاق کردن کودکان برای خواندن اشعار عمیق تر با مفاهیم عالی تر باشد.

و. تکامل فکر

شعر کودک باید با تحول و تکامل فکر کودکان گام بر دارد. شعر خوب یکی از انگیزه های اصلی کودکان به خواندن آثار ادبی است. و یک نوع تمرین و ممارست است برای درک عمیق او از ادب رسمی کشورش. شاعر کودکان و گزیننده شعر برای کودکان باید تسلط به فن و هنر شاعری داشته در ضمن

اختیارشان قرار داد تا بدین وسیله در نوجوانی به خواندن اشعار ادب رسمی توجه و گرایش یابند. اولیاء و مربیان شعر مناسبی را بارها به صدای بلند بخوانند تا ذوق شعر در کودک بیدار شود.

شرایط داستان خوب

عوامل به وجود آورنده داستان خوب عبارتند از: هدف نویسنده، ماجرا، محیط، شخصیتها و نگارش داستان.

الف. هدف

نویسنده باید از بیان انواع افکار انهایی را برگزیند که از تناسبات با نیاز خواننده، در میان خود نیز تجانس داشته باشند. فکرها را خوب پردازند نه آنکه همه افکار را یکجا و شکل نگرفته به ماجرا بسپارند.

ب. ماجرا

داستان، شروع و نقطه اوج و پایانی دارد. پیوستگی در ست این سه مرحله در گرایش بیشتر خواننده مؤثر است. ماجرای داستان باید به نظر قابل قبول بیاید، حوادث بی دلیل و بی ربط پیش نیایند. ماجرا دارای اصالت باشد. خواننده در نیمه راه خسته نشود و ماجرا او را با خود ببرد، نه او ماجرا را به جلو بکشد. شروع، نقطه اوج و نتیجه چنان به هم آمیخته باشند که هیچ حادثه ای جدا از این سه نیفتد.

ج. محیط

موفقیت داستان رابطه مستقیم با محیط مناسب برای جریان ماجرای داستان دارد. مهم نیست محیط مربوط به گذشته، حال یا آینده باشد. دور یا نزدیک، شناخته یا ناشناخته. ماجرا و محیط از یک سنخ باشند.

د. شخصیتها

شخصیتها باید چون شخصیتهایی واقعی باشند. بسیاری از شخصیتها افسانه ای چنان شکل می‌گیرند و زندگی می‌کنند که همیشه ملموس تر از انسانهایی هستند که زندگی می‌کنند، تصور غیر واقعی بودن آنها مشکل است. شخصیت باید نمونه خاص نبوده و قابل تقلید باشد.

ه. سبک نگارش

گزینش سبکی مناسب در رساندن فکر اصلی داستان و درست جلوه دادن شخصیتها از نکاتی است که باید بر آن دقیق بود. سبک نگارش مکمل اساسی فکر و هدف اصلی داستان و ماجراست. واژه ها، جملات، آهنگ کلام، فلسفه خاص ارائه شده در آن همه به هنرمندی نویسنده ارتباط دارد.

ادامه دارد

نشریه کودکان
مقدمند را تکثیر
و پخش کنید

ممنوعیت هر نوع آزار روانی، فشار و ارباب به کودکان

کودکان سر راهی، کودکان بی پناه! اسد حکمت- ایران

سازمان بهزیستی مشهد هفته قبل آمار وحشتناکی را اعلام کرد. ماهانه ۳۰۰ کودک در حرم امام رضا رها میشوند، این کودکان که اکثراً شیر خوار، معلول و بی سرپرست هستند در صحن حرم رها میشوند، که توسط خادم های حرم جمع آوری میشوند. دکتر رجب هدایت نیا یکی از مسئولین شهرداری مشهد در این رابطه چنین توضیح میدهد که تعداد این کودکان سر راهی با آمدن فصل بهار و تابستان بیشتر میشوند. کودکان بی سرپرست در مشهد هر ماه احتیاج به یک آسایشگاه جدید دارند که به دلیل کمبود امکانات سازمان بهزیستی توان تقابل چنین پروژه هایی را ندارند، در حال حاضر ۱۲ مرکز در مشهد برای نگهداری کودکان فعالیت میکنند. آمار واقعا تکان دهنده ای است شنیدن این قضیه دل هر انسانی را به درد می آورد. یکی از معضلاتی که گریبانگیر جامعه ایران است پدیده ای بنام کودکان سر راهی است که به دلیل عدم رشد قوانین حامی کودکان و فقر روز افزون جامعه و نبود راههای جلوگیری از حاملگی، ازدواج های فامیلی، قالب های سخت مذهبی خانوادگی، ممنوع

مرکز مدرن با استاندارد های بالا برای کودکان تاسیس کرد که کودک بتواند در یک محیط حداقل از نظر رفاهی سالم رشد کند، پیش گیری و آماده کردن جامعه انسانی که چنین معضلی در آن ریشه کن شده باشد، در همه جای آن کار وجود دارد. بابتی شرمی تمام گردن کج میکنند و میگویند برای کودکان پول نداریم برای تاسیس شبکه مساجد، به راه انداختن جنگ های تروریستی در دنیا، به راه انداختن شبکه های خرافات و مذهب در دنیا برای تبلیغ سیستم جهل و خرافه اشان، هزینه سنگین برای تسلیحات سپاه و ارتش، خرج های کلان برای جشن های دهه فجر که واقعا روی صدها جشن ۲۵۰۰ ساله را سفید کرده است. پول دارند، اما برای کودکان بی پناه پول ندارند و کاسه گدایی را به سوی مردمی کج میکنند که خود در فقر و بد بختی دست و پا میزنند. همان آستان قدس رضوی که شبکه مافیایی سرمایه داری حاکم بر حرم امام رضا در مشهد است به راحتی یک شبه میتواند این مشکل را محو کند. شاید باورش خیلی سخت باشد اما در جهنمی که سود مهم است نه کودک، چنین کاری با شکستن قدرت هیولایی به راحتی امکان پذیر است. راجع

ادامه قربانی آتش سوزی یا قربانی نبود امکانات ایمنی!

عمدتاً مهاجرین آفریقای، با خانواده ایشان در این هتل ارزان، زندگی می کرده اند. علت آتش سوزی هنوز معلوم نیست اما تا به حال معلوم شده است که ساختمان هتل فاقد تأسیسات ایمنی، از جمله خروج و پله اضطراری بوده است. سازمان تامین اجتماعی فرانسه، دولت فرانسه و آقای ژاک شیراک، باید پاسخگو، باشند. چرا مسکن مناسب برای این شهروندان تهیه نشده است؟ چرا یک هتل، بدون امکانات ایمنی اجازه کار داشته است؟ علت آتش سوزی هر چه باشد، از گناه سیستم سرمایه داری فرانسه که برای جان انسانها زره ای ارزش قائل نیست، کم نمی کند. ده کودک با صدها آرزو، قربانی مطامع و سهل انگاری های مسئولین سازمان تامین اجتماعی و دولت فرانسه شده اند. اشک تمساح ژاک شیراک به او کمکی نمی کند. او با این ژستها فقط می خواهد، موقعیت خود و حزب حاکمش را، با نزدیک شده به انتخابات، محکم تر کند. مردم متمدن و انسان دوست فرانسه و جهان، باید، خواهان پاسخگوی دولت فرانسه شوند. باید به این جنایات در حق انسانها و کودکان بی گناه، خاتمه داد و زندگی امن و شادی را برای کودکان فراهم آورد.

ممنوعیت کار حرفه ای برای کودکان و نوجوانان

پرسش و پاسخ در باره کودکان Apati در سوئد: چاره کار کدام است؟

روز ششم آوریل 2005، حزب سوسیال دمکرات و حزب مدراهای سوئد به درخواست پناهندگی و اقامت کودکان مبتلا به بیماری ((آپاتی)) پاسخ منفی دادند!

این اولین بار نیست که دولت سوئد به چنین اقدامات شرم آوری دست می زند. براساس اعلام سازمان دفاع از حقوق کودکان که اخیراً و در ماه ژانویه امسال انتشار یافته، با نگرانی اعلام شده است که دولت سوئد مفاد کنوانسیون حقوق کودکان را رعایت نمی کند. اخراج کودکان آپاتی از سوئد. مستقیماً جان این کودکان را هدف قرار می دهد.

تصمیم دولت سوئد غیرانسانی و شرم آور و با کنوانسیون دفاع از حقوق کودکان آشکارا منافات دارد. این تصمیم بیشتر از هر وقت دیگر نشان می دهد که ادعاهای انسان دوستانه دولت سوئد امری پوچ، نمایشی و دروغین است. آنها از این دم می زنند که در سوئد کودکان از حقوق مساوی برخوردارند. این همان مساواتی است که دولت ادعایش را دارد!؟

این راه به کجا ختم خواهد شد؟ احزابی که قلبشان برای کودکانی که در میانه مرگ و زندگی معلق مانده اند و تنها با تزریق سرم قادر به ادامه حیات هستند، نمی تپد، ادعای کودک دوستی و مساوات حقوق کودکان را دارند!

چاره چیست؟

برای خاتمه دادن به این حرمان دردناک، برای نجات جان این کودکان و خانواده نگرانانشان، ما راه چاره داریم!

دولت سوئد اقامت این کودکان را به امری لاینحل بدل کرده است. به همین دلیل از نمایندگان احزاب پارلمانی خواسته ایم که در پانل دباتی که برای بحث و ارائه راه حل برای نجات این کودکان ترتیب داده شده است شرکت کنند!

از همگی شما دعوت می کنیم که در این جلسه شرکت کنید، نقطه نظرات خود را بیان کنید، اعتراض خود را نشان دهید و در ارائه راه حل برای نجات فوری این کودکان سهیم شوید!

و عده دیدار ما:

سه شنبه 26 آوریل ساعت 18

Bergensgatan 4-12 Husby جنب تونل بان

نهاد کودکان مقدمند در سوئد، کریم شاه محمدی:

0708528716 افسانه وحدت: 0762069549

کیمیا پازوکی: فدراسیون سراسری پناهندگان ایران- استکهلم،

0707348930

کودک ناتوان، کودک توانا

قسمت دوم:
فرزاد ادیبی

همانطور که در قسمت اول بحث گفتیم، مفهوم "کودک توانا" بسیار جدید است و هنوز بسیاری از معلمان و کارشناسان علوم آموزشی و تربیتی بدان اعتقاد ندارند. مخالفت این بخش که بطور سنتی کودک را ناتوان، می دانند با پیاده کردن ایده کودک توانا در مهد کودکها و مدارس، رشد و گسترش این ایده را در اروپا، دچار مشکل کرده است.

قبل از هر چیز باید با درک "کودک ناتوان" به مقابله برخاست و این دیدگاه را، به عقب راند. پدران و مادرانی که با عشق و علاقه، رشد فرزند خود را دنبال می کنند، باید با این دیدگاه بطور جدی مرزبندی کنند. رفتار ما با کودکان، باید بر اساس اعتماد به توانایی های وی باشد. مسلم یک کودک دو ساله توانایی حل یک مسئله ریاضی را ندارد. اما همین کودک توانایی غذا خوردن را با قاشق و چنگال دارد. لازم نیست به این کودک غذا خوراند. بهانه "آخه اگر من بهش ندیم نمی خوره" فقط از سر تنبلی ما است که حوصله به خرج نمی دهیم و ساعتی در کنار فرزند دوساله امان بنشینیم و با پشتکار به وی یاد بدهیم که چگونه او می تواند از قاشق و چنگال استفاده کند. بارها ما شاهد هستیم که چگونه مادر و یا پدر، کودک خود را بعد از زمین خوردن فوراً از زمین بلند می کنند. ایشان حتی یک لحظه به کودک این شانس و فرصت را نمی دهند که خودش امتحان کند که آیا می تواند با اتکاء به توانایی خود از زمین بلند شود یا نه؟ من به خوبی درک می کنم که بخشی از این عکس العمل پدران و مادران در رابطه با عشق و علاقه ای است که به فرزند خود دارند و نگرانند که مبادا کودکشان آسیب ببیند. اما همین دخالت بیجای ما در امور ابتدایی و روز مره زندگی کودکان، به وی آسیبهای بیشتری می زند. شما وقتی که با کودک دو سه ساله تان در پارک و یا خیابان قدم می زنید و به محض رسیدن به یک پله و یا پستی و بلندی زمین می رسید، کودک خود را کمک می کنید که از پله بالا برود، هیچگاه به وی این شانس را نمی دهید که خودش این کار را تجربه کند و تأییدی بر تواناییهای خود، دریافت کند و بدین گونه، اعتماد به نفس خود را قوت بخشد.

وقتی که شما به کودکان، اعتمادتان را عملاً در برخوردهای روزمره به وی نشان دهید. او توانایی های خود را هر روزه کشف و به مرحله محک زدن و تجربه کردن می گذارد. چرا باید، بندهای کفش یک کودک چهار ساله را پدر و یا مادر ببندد، چرا باید ما لباس به تن کودک چهار ساله امان بکنیم؟ چند وقت پیش برای بازدید از یک مهد.

ادامه در صفحه 3

ممنوعیت فوری حجاب برای کودکان